

Conformity in Delivery in License Agreements from the Perspective of Domestic Law and International Instruments

 **Behrad Saghiri**

Chair of the Law Department, Nabi Akram University (UCNA); Ph.D in International Trade and Investment Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. Tehran, Iran
saghiribehrad@gmail.com

 **Mohsen Alijani**

Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)
Mohsen.aliyani64@gmail.com

Received: 2024-08-07

Accepted: 2025-01-19



Abstract

involving the exchange of goods or intellectual property rights, especially in licensing agreements. This concept is not precisely defined in domestic laws and international instruments, and the existing frameworks for commodity-based transactions do not meet the specific needs of this field. Using an analytical-comparative approach, this study examines the conformity in delivery in license agreements, including patents, know-how, and franchise. First, the express intention of the parties and the contractual terms are taken as the basis, and in their absence, the purpose of the contract and the necessary conditions for realization of the transfer are examined. Moreover, the role of contractual warranties

Journal of Research and Development
in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 8 | No. 28 | Autumn 2025
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2025.2037835.1436


and guarantees in ensuring delivery in compliance with the terms of the contract is analyzed. The findings of the present research show that existing general regulations, such as general international instruments, cover some aspects of conformity in delivery but ignore the specific details and requirements of license agreements. The drafting of specific regulations in domestic and international instruments can ensure that delivery complies with contractual objectives and reduce disputes in this area. Whenever the parties have not decided on the obligations of the transferor and the details of delivery, they should refer to the parties' commercial practices and the prevailing trade customs governing license agreements and supplementary laws. In laws and regulations designed for goods-based contracts, such as sales and leases, one cannot identify a precise characteristic for delivery that conforms to a license; however, criteria such as alignment with the purpose of the contract can be applied. In contrast, general international instruments, such as the Principles of European Contract Law and the Principles of International Commercial Contracts, provide effective rules in this area for various types of contracts, whether goods-based or intellectual property-based. The study concludes by emphasizing that conformity in delivery in license agreements requires a special approach that takes into account the nature of these agreements and their economic and legal objectives. Drafting specific regulations in domestic and international instruments can ensure conformity in delivery with contract goals and reduce disputes in this field.

Keywords: License, conformity in delivery, intellectual property-based contracts, international trade.



تسلیم منطبق در قراردادهای لیسانس از منظر حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی

مدیر گروه حقوق موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص) و دانش آموخته حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

بهراد صغیری 

saghiribehrad@gmail.com

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

محسن علیجانی 

M.alijani@scu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

چکیده

تسلیم منطبق یکی از مسائل پیچیده و مهم در قراردادهای مرتبط با مبادله کالا یا حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه در قراردادهای لیسانس است. این مفهوم در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی تعریف دقیقی ندارد و چارچوب‌های موجود برای معاملات کالامحور نیز پاسخگوی نیازهای خاص این حوزه نیستند. این پژوهش با رویکرد تحلیلی-تطبیقی، به بررسی تسلیم منطبق در قراردادهای لیسانس، شامل حق اختراع، دانش فنی و فرانشیز می‌پردازد. ابتدا اراده صریح طرفین و شروط قراردادی مبنا قرار می‌گیرد و در غیاب آن، هدف از قرارداد و شرایط ضروری برای تحقق انتقال بررسی می‌شود. همچنین، نقش وارانته‌ها و تضامین قراردادی در تضمین تسلیم منطبق مورد تحلیل قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقررات عمومی موجود،

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۸ | پاییز ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2025.2037835.1436

مانند اسناد بین‌المللی عام، برخی جنبه‌های تسلیم منطبق را پوشش می‌دهند، اما جزئیات و الزامات خاص قراردادهای لیسانس را نادیده می‌گیرند. تدوین مقررات خاص در اسناد داخلی و بین‌المللی می‌تواند تضمین‌کننده تطابق تسلیم با اهداف قراردادی و کاهش اختلافات در این حوزه باشد. هرگاه طرفین درخصوص تعهدات انتقال‌دهنده و جزئیات آن در تسلیم تصمیم‌گیری نکرده باشند، باید به عادت تجاری طرفین و عرف معاملات حاکم بر قراردادهای لیسانس و قوانین تکمیلی روی آورد. در قوانین و مقرراتی که برای قراردادهای کالامحور مانند بیع و اجاره تدوین شده‌اند، نمی‌توان مشخصه دقیق برای تسلیم منطبق لیسانس یافت؛ هرچند می‌توان از ملاک‌های آن، مانند منطبق بودن با هدف از انعقاد قرارداد بهره‌مند شد. اما در اسناد بین‌المللی عام مانند اصول قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی که برای انواع مختلف قراردادها اعم از اینکه قرارداد کالامحور باشد یا ملکیت فکری محور، می‌توان قواعد کارآمدی در این حوزه یافت. نتیجه‌گیری پژوهش تأکید می‌کند که تسلیم منطبق در قراردادهای لیسانس نیازمند رویکردی ویژه است که ماهیت این قراردادها و اهداف اقتصادی و حقوقی آنها را مدنظر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: لیسانس، تسلیم منطبق، قراردادهای مالکیت فکری محور، تجارت بین‌الملل

مقدمه

در هر قراردادی که موضوع آن مبادلهٔ مال است، یکی از دغدغه‌های مهم طرفین تسلیم عوضین خواهد بود. در حقوق قراردادهای، تعهد اصلی انتقال‌دهنده، تسلیم موضوع قرارداد به طرف دیگر است؛ اعم از اینکه موضوع قرارداد بیع، اجاره یا لیسانس باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۵). در قراردادهای لیسانس نیز اقتضای ذات قرارداد انتقال موضوع قرارداد لیسانس، اعم از انتقال فناوری یا یک علامت تجاری یا دانش فنی یا غیر آن و استیلای انتقال‌گیرنده بر فناوری موضوع قرارداد است و هدف غایی انتقال‌گیرنده نیز هم‌زمان با اجرای قرارداد، همانند انتقال‌دهنده، استیلا و سیطره بر موضوع لیسانس است. چنین تعهدی، حتی اگر تصریح هم نشده باشد، تعهد اصلی انتقال‌دهنده و شرط اصلی ضمنی محسوب می‌گردد که محور تمام تعهدات قراردادی و غیرقراردادی انتقال‌دهنده است. به عبارتی، اگر تعهد به تسلیم و انتقال صراحتاً یا ضمناً در قرارداد موجود نباشد، اصولاً قرارداد لیسانسی نیز در کار نخواهد بود (همان: ۹۵). بدین ترتیب شرط خلاف چنین تعهدی نیز با توجه به تقابل با اقتضای ذات عقد، باطل و مبطل عقد خواهد بود. در حقوق فرانسه هم تعهد اصلی لیسانس‌دهنده تعهد به تسلیم موضوع لیسانس است (Vahrenwald et al, 1995, p. 135) همچنین براساس قانون مدنی ایتالیا، هر معامله‌ای، از جمله بیع و اجاره، همراه با تعهد صریح تسلیم خواهد بود؛ اعم از اینکه تسلیم مربوط به اصل موضوع معامله یا تسلیم ملزومات آن باشد (Ibid, p. 209) که شامل قرارداد لیسانس نیز خواهد بود. چنین تعهدی در عنوان‌های مختلف قراردادهای لیسانس شکل خاصی به خود خواهد گرفت. در قرارداد لیسانس حق اختراع، تعهد ابتدایی لیسانس‌دهنده تسلیم و انتقال تکنولوژی دارای حق اختراع به لیسانس‌گیرنده برای توانمندسازی وی به‌منظور استفاده و بهره‌مندی از منافع حق اختراع و تکنولوژی وابسته به آن در مدت زمان قرارداد است (Saeh, 2014, p. 1). در قرارداد فرانسیز، حق استفاده از علامت تجاری انتقال‌دهنده به طرف مقابل انتقال می‌یابد و در فرانسیز فنی- صنعتی، این تعهد در قالب اعطای امتیاز تولید و ساخت کالاهای فناورانه و در مواردی اعطای دانش فناورانه نمود می‌یابد یا در

قرارداد واگذاری دانش فنی (نوهاو)، تعهد لیسانس دهنده انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات، تجارب، مهارت‌ها و اسرار تجاری به انتقال‌گیرنده است (ماندگار، ۱۳۹۶: ۴۱۱-۴۲۵).

اما آنچه بیشترین چالش را در پی دارد و موضوع این نوشتار نیز هست، تسلیم منطق است که باید با تدقیق در انواع انتقال نسبت به نوع لیسانس و اسناد بین‌المللی و قانونی در نظام‌های حقوقی مختلف بررسی گردد. در صورتی که کالای تسلیم شده منطق با وراثتی‌های قرارداد نباشد، گفته می‌شود که کالا با قرارداد مطابقت ندارد (Michala, 2013, p. 297). سوالی که در خصوص قراردادهای لیسانس مطرح می‌شود چگونگی تسلیم منطق است. در همین راستا به بررسی حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی در این حوزه پرداخته و موضوع با نگاه تحلیل اقتصادی بررسی شده است، در حقیقت مبنای نگارش این نوشتار یافتن پاسخ این پرسش اصلی است: «در قراردادهای لیسانس تسلیم منطق چه نوع تسلیمی است؟» اما شایان ذکر است برای رسیدن به پاسخی مناسب باید پرسش‌های فرعی دیگری از این قبیل را نیز پاسخ داد: انتقال‌دهنده لیسانس چه چیز را به انتقال‌گیرنده منتقل می‌کند و به‌واقع موضوع اصلی قرارداد چیست و به چه نحو منتقل می‌شود؟ اثر چنین انتقالی باید چه چیزی باشد تا بتوان گفت منظور از انتقال لیسانس محقق شده است؟ آیا قواعد مقرر برای انتقال اموال کالامحور می‌تواند پاسخگوی تسلیم منطق در قراردادهای مالکیت‌محور باشد؟ اسناد بین‌المللی عام که برای انواع مختلف قراردادها اعم از کالامحور یا مالکیت فکری محور تنظیم شده‌اند چگونه در قوانین و اسناد بین‌المللی که با هدف تنظیم قراردادهای خاص مالکیت‌محور تدوین و طرح شده‌اند چه راهکاری پیش‌بینی کرده‌اند؟ آیا هریک از انواع قراردادهای لیسانس ویژگی خاصی دارند که در فقدان اراده صحیح بتوان از آن برای تعیین منطق بودن تسلیم بهره‌مند شد؟ فرضیه‌ای که به ذهن می‌رسد این است که مقررات داخلی و بین‌المللی پاسخگوی این موضوع نیستند و باید در این زمینه به‌صورت خاص مقررات گذاری گردد. برای حصول این منظور، ابتدا درباره مفهوم تسلیم منطق در اسناد حقوقی و الزامات قراردادی بحث و با تطبیق موضوع، پاسخ در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی جست‌وجو شده و برای یافتن آن هم به قواعد تسلیم در قراردادهای کالامحور و هم قواعد عمومی و در نهایت مقرره‌های

خاص توجه شده است. در انتها با بررسی مختصری سعی شده است مختصات لیسانس‌های اختراع، دانش فنی و فرانسیز مورد توجه واقع شود که می‌تواند روشنگر تسلیم منطبق در قرارداد لیسانس باشد.

۱. مفهوم تسلیم منطبق لیسانس در اسناد حقوقی و الزامات قراردادی

۱/۱. تسلیم منطبق طبق قوانین ملی و اسناد بین‌المللی

۱/۱/۱. تسلیم منطبق لیسانس طبق مقررات تسلیم در معاملات کالامحور

تسلیم منطبق در معاملات کالامحور عموماً معلوم و در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی تعریف شده است. اگر معامله کالامحور بیع باشد، فروشنده باید مبیع را، چنان‌که موضوع توافق دو طرف قرار گرفته است، به خریدار تسلیم کند و ضامن عیوب پنهان آن است. اگر مبیع عین معین باشد، باید همان که متعلق قصد مشترک قرار گرفته است تسلیم شود و اگر مبیع کلی باشد، باید کالایی تسلیم شود که از نظر مقدار، جنس و وصف با آنچه مورد توافق بوده مطابقت دارد. در صورتی هم که کالا دارای اقسام گوناگون باشد، فروشنده در انتخاب فرد مبیع آزاد است، ولی نباید مصداقی را برگزیند که عرفاً معیب است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۶۷ و ۱۷۰). اگر معامله اجاره باشد، نیز موجر تعهد به تسلیم عین مستأجره دارد و علاوه بر آن باید توابع آن نیز تسلیم مستأجر گردد تا بتواند در منافعی که به او تملیک شده است تصرف کند و شخص موجر یا دیگران مزاحم تصرفات وی نشوند؛ به این طریق با تملیک، منافع اجاره پایان نمی‌یابد، بلکه موجر موظف می‌شود که امکان استفاده از مورد اجاره را برای مستأجر فراهم کند (همان ۳۹۵ و ۳۹۶).

در اسناد بین‌المللی نیز این مهم مورد توجه واقع شده است. راهکار مقرر در قراردادهای نمونه بیع بین‌الملل اتاق بازرگانی بین‌المللی، تفاوت عمده‌ای در خصوص ضمانت اجرای تسلیم غیرمنطبق در کنوانسیون بیع بین‌الملل کالا دارد. در قرارداد نمونه اتاق بازرگانی، فروشنده معمولاً حق اصلاح عدم مطابقت را برای خود حفظ می‌کند. حتی در صورتی که عدم تطابق به نقض اساسی قرارداد منجر شود، خریدار فقط در صورتی حق فسخ قرارداد را

خواهد داشت که فروشنده در مدت زمان معقولی قادر به جبران خسارت نباشد (Bortolotti, 2008, p. 252-3). در صورتی که قرارداد تابع کنوانسیون بیع بین الملل کالا باشد و کالا منطبق بر قرارداد شناخته نشود، خریدار چند راهکار برای جبران دارد. چنین مقرره‌ای در کنوانسیون بیع بین المللی کالا به عنوان موفق‌ترین کنوانسیون در خصوص معاملات کالامحور و مشخصاً بیع، نیز مورد بحث واقع شده است. ماده ۳۵ کنوانسیون تنها ماده از کنوانسیون است که در خصوص تسلیم منطبق مقررات گذاری کرده است. در سه فرضی که شرایط انطباق صراحتاً در آنها بیان شده، شرایطی که انطباق به صورت ضمنی مدنظر است و در نهایت با وجود عدم انطباق، مسئولیتی برای فروشنده قابل تصور نیست، کلیات تسلیم منطبق را بیان می‌دارد. بند اول آن به انطباق صریح طبق قرارداد اشاره دارد و فروشنده را ملزم کرده است، کالایی که مقدار، کیفیت و وصف آن در قرارداد مقرر شده است برای تسلیم بسته‌بندی کند. بند دوم آن با مدنظر قرار دادن شرایط انطباق به طور ضمنی و با فرضی که طرفین توافقی مستقل نداشته باشند، کالایی تسلیمی را منطبق محسوب نمی‌کند، مگر آنکه متناسب با هدفی باشد که کالا با همان وصف به طور معلوم مورد استفاده قرار می‌گیرد یا متناسب با هدف خاصی باشد که صریحاً یا ضمناً به اطلاع فروشنده رسانده شده و خریدار به مهارت فروشنده اتکا کرده و این اتکا معقول و واجد کیفیت کالایی باشد که فروشنده به عنوان نمونه به خریدار ارائه کرده است و نیز مبیع برای تسلیم به طریقی بسته‌بندی شود که برای چنین کالایی معمول است یا برای بقا و حفظ کالا کافی باشد. در صورتی هم که فروشنده تمامی این موارد را رعایت کند و مواردی برای عدم تطابق مفروض باشد، بند سوم ماده مقررره‌ای را بیان می‌دارد که فروشنده دیگر مسئول عدم انطباق نخواهد بود و کالا منطبق محسوب می‌شود، مشروط بر اینکه خریدار هنگام انعقاد قرارداد شخصاً یا نوعاً مطلع از چنین عدم انطباقی باشد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۰۲).

اما سؤال این است که آیا قواعد تسلیم در معاملات کالامحور در قراردادهای لیسانس نیز می‌تواند صادق یا کارا باشد؟ چه در قراردادهای کالامحور و چه در قراردادهای لیسانس، اراده طرفین با فرض عدم تعارض با قوانین آمره حاکم بر شرایط تسلیم منطبق خواهد بود

و چنان‌که بند اول ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بیان داشته است، شرایط انطباق ابتدا از طریق اراده صریح طرفین مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و این دو نوع قرارداد از این منظر تفاوتی باهم نمی‌توانند داشته باشند. اما برای بررسی شرایطی که در آن نحوه تسلیم تلویحاً در مقررات آمده و به عبارتی قوانین تکمیلی مانند بند ۲ ماده ۳۵ آن را بر شمرده است، باید دید آیا می‌توان قراردادهای لیسانس را که موضوع آن انتقال مالکیت فکری است در قالب عقود کالامحور تحلیل کرد؟

طبق مواد ۱ تا ۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برای تحقق شمول این کنوانسیون بر معامله، علاوه بر قلمرو شخصی که بر آن حاکم است، باید موضوع معامله در برگیرنده مفهوم کالا بوده و از موضوع کنوانسیون استثنا نشده باشد ((Huber et al, 2007, p. 41). علاوه بر این، کنوانسیون را شامل فروش دانش فنی (نوهاو) که به صورت شیء مادی فیزیکی یا الکترونیکی درنیامده باشد یا حق اختراع، کپی‌رایت یا نشانه‌های جغرافیایی ندانسته‌اند ((Honnold, 1999, p. 10, Huber et al, 2007, p. 42) در مورد خرید و فروش نرم‌افزارها کنوانسیون موضوع مشخصی ندارد و گفته شده مشخصاً اگر نرم‌افزارها شکل مادی مانند سی‌دی و رابط‌های الکترونیکی فیزیکی به خود گرفته باشند، مشمول کنوانسیون خواهد بود؛ اما تشکیک در شمول آن به‌عنوان قرارداد لیسانس پیش خواهد آمد. درنهایت چنین اظهارنظر شده است که اگر هم خرید و فروش نرم‌افزارها را مشمول کنوانسیون بدانیم، صرفاً کنوانسیون بر مبادلاتی حاکم خواهد بود که در آن موضوع معامله، انتقال دائم نرم‌افزارها از مالک به خریدار است و شامل مبادلاتی نخواهد بود که در آن حق بهره‌برداری از نرم‌افزار تحت لیسانسی و برای مدتی معین منتقل می‌شود؛ به عبارتی چنین معامله‌ای تحت عنوان بیع موردنظر کنوانسیون نیست ((Huber, op.cit:43). بنابراین مقررات کنوانسیون در مورد قراردادهای لیسانس، همانند معامله کالایی که داخل در مفهوم آن در کنوانسیون باشد، خودبه‌خود جاری نخواهد بود. اما طرفین یک قرارداد لیسانس می‌توانند با حاکم کردن مقررات کنوانسیون بر قرارداد خود به‌عنوان شروط استاندارد از قواعد آن بهره‌مند شوند. به نظر، برخی مقررات مانند بند ۲ ماده ۳۵ در خصوص تسلیم منطبق، که تناسب تسلیم لیسانس با هرگونه هدف خاص صریح یا ضمنی را پیش‌بینی کرده یا مبنا و نمونه‌ای برای

موضوع قرارداد مدنظر قرار داده یا نحوه تسلیمی از بابت ظرف و شکل تسلیم پیش‌بینی شده است، در تسلیم موضوع لیسانس نیز می‌تواند کارآمد باشد. اما این پرسش همچنان جاری است که آیا برای اختلافات آتی در این قراردادها با توجه به ویژگی‌های خاص آن، همین مقدار آینده‌نگری کفایت خواهد کرد؟

در حقوق داخلی نیز برای جاری دانستن خودبه‌خود قوانین مربوط به بیع، جدا از عین یا کلی بودن موضوع قرارداد لیسانس، موضوع دیگری قابل بررسی است که مبادله قراردادهای لیسانس عقدی تملیکی است یا عهدی؟ در مواردی که انتقال و جذب فناوری در هیئت خریداری تجهیزات و کالای سرمایه‌ای و استفاده از آن در تولید محصولی جدید باشد، عقد تملیکی است و قالب عقد بیع مناسب خواهد بود. اما در خصوص مبادلاتی که موضوع آن فروش انواع حقوق مالکیت فکری است، قانون مدنی صراحت لازم را ندارد. اگرچه عرف و منطق حقوقی این قبیل معاملات را در قالب بیع بپذیرد، در این مبادلات فناورانه در قالب مجموعه‌ای از حقوق فکری و سایر خلاقیت‌ها در شکل لیسانس، مالکیت فکری جلوه منحصر مورد معامله نیست تا بتوان قرارداد منعقد را در قالب بیع گنجاند (ماندگار، ۱۳۹۶: ۲۸۱) و از این طریق شرایط تسلیم منطق مختص بیع را برای آن جاری و کافی دانست؛ چراکه اگر موضوع قرارداد لیسانس، برای مثال فرانشیز، دانش فنی و خدمات مشاوره‌ای از این دست باشد، انتقال مالکیتی در آنها مدنظر نیست تا بتوان قواعد بیع را در خصوص آنها جاری دانست (همان: ۲۸۲)؛ لذا نمی‌توان قواعد عقد بیع را به‌طور مطلق بر آن اعمال کرد.

در خصوص استفاده از قالب اجاره برای یافتن تسلیم منطبق در قراردادهای لیسانس نیز با ایراداتی روبه‌رو خواهیم شد. هرچند با این تفسیر که اجاره برای انتقال منافع عین است و دارنده حق مالکیت فکری هم می‌تواند منافع حقی را که حاصل کار و ابداع خود است به دیگری انتقال دهد و حقوق مالکانه خود را حفظ کند، به مفهوم اجاره نزدیک خواهیم شد، انتقال‌دهنده حقوق فکری را نمی‌توان اجیر در مفهوم عقد اجاره دانست و رابطه طرفین قرارداد لیسانس را نیز در قالب قرارداد کار گنجاند. جدا از این، اساساً انتقال‌گیرنده را نمی‌توان مالک منافع مورد انتقال در همه اشکال قراردادهای لیسانس دانست که بتواند

هر دخل و تصرفی را در موضوع قرارداد بدون مداخله و همکاری انتقال‌دهنده انجام دهد. برای مثال، طبیعت فناوری چنان است که با گذر زمان و با تحولات علمی و تجربی ارتقا یا اجزا و ماهیت آن تغییر می‌یابد که متناسب با بقای عین در اجاره نیست. درحالی‌که در قرارداد لیسانس ممکن است موضوع قرارداد به حکم قانون باطل یا بی‌اعتبار شود که نمی‌توان برخلاف اجاره، بطلان قرارداد لیسانس را از آن نتیجه گرفت. همین ایرادها را به نحوی دیگر در گنجاندن قرارداد لیسانس در قالب حق انتفاع نیز می‌توان یافت (همان: ۲۹۰-۲۸۸). بنابراین با توجه به عدم امکان تسلط کامل انتقال‌گیرنده بر موضع قرارداد و عدم امکان اجیر تلقی شدن انتقال‌دهنده، احکام اجاره و عقد موجد حق انتفاع نمی‌تواند حاکم بر قراردادهای لیسانس باشد و شرایط تسلیم منطبق در آن نیز نخواهد توانست ابعاد پیچیده تسلیم در لیسانس را پوشش دهد.

۱/۱/۲. تسلیم منطبق لیسانس طبق اسناد عام بین‌المللی و مقررات خاص

۱/۱/۲/۱. رویکرد اسناد عام بین‌المللی نسبت به تسلیم منطبق در لیسانس

دو سند بین‌المللی مهم در زمینه قراردادهای وجود دارد که می‌تواند قراردادهای لیسانس را در قالب خود جای دهد و تعهدات طرفین قرارداد اعم از تسلیم منطبق را تنظیم کند: یکی اصول قراردادهای اروپایی^۱ و دیگری اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۲. در مورد دایره شمول قراردادهای اروپایی چنین گفته شده است که این اصول می‌تواند در قراردادهای مهم تجاری در خصوص کالاها، خدمات و انواع گوناگون انتقال حقوق مانند قراردادهای لیسانس به کار رود ((Lando, 1992, p. 579). اما تدقیق در فصول هفده‌گانه آن نشان می‌دهد که این سند ماده‌ای همانند ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را در خود جای نداده و ترتیبی برای تسلیم منطبق در قراردادهایی را که تسلیم مالی جزو تعهدات یکی از طرفین و بخشی از اجرای قرارداد است، صراحتاً پیش‌بینی نکرده است. با وجود این، در فصل هفتم این سند به بحث اجرا پرداخته شده و مواردی

¹ . Principles of European Contract Law

² . unidroit principles of international commercial contracts (UPICC)

مانند محل و زمان اجرا، ترتیب اجرای تعهدات طرفین، اجرای جایگزین و دیگر مسائل عمومی اجرا را در مواد ۱۰۱-۷ تا ۱۱۲-۷ برشمرده است. در خصوص کیفیت اجرا نیز ماده ۶-۱۰۸ به بیان کلیاتی پرداخته و چنین مقرر کرده است: «چنان که کیفیت اجرا در قرارداد تعیین نشده باشد، طرف قرارداد می‌بایست قرارداد را حداقل با کیفیتی متوسط اجرا کند»؛ یعنی مقررهای مانند ماده ۲۷۹ قانون مدنی ایران. به‌طور مشخص، برای قضاوت در خصوص منطبق بودن تسلیم طبق این ماده و مفهوم کیفیت منطبق، در شرایطی که ملزومات تسلیم منطبق در یک قرارداد لیسانس منعقد در قالب اصول قراردادهای اروپایی تعیین نشده باشد، باید به عرف رجوع کرد. ماده ۳۰۲-۱ بیان می‌دارد: مفهوم متعارف در چارچوب این اصول باید بر اساس آنچه که اشخاصی با حسن نیت و در موقعیتی مشابه با طرفین قرارداد معقول می‌دانند، ارزیابی شود. همچنین در ارزیابی متعارف بودن امر باید ماهیت قرارداد و هدف آن همراه با اوضاع و احوال قضیه و عرف‌های تجاری مدنظر قرار گیرد. علاوه بر آن، این اصول در مواد ۲۰۱-۱ و ۲۰۲-۱ خود تکالیفی عام برای طرفین برمی‌شمارد که هریک از طرفین باید با حسن نیت و بر مبنای معامله‌ای منصفانه، که قابل تحدید و حذف نیست، عمل کنند و برای اجرای مؤثر قرارداد ملزم به همکاری با طرف دیگر قرارداد هستند.

مجموع این مواد همانند ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی بیان می‌دارد که اگر موضوع قرارداد با کیفیتی متعارف و منطبق با هدف معامله و عرف‌های تجاری و معاملاتی طرفین با حسن نیت و در کمال همکاری تسلیم شده باشد، تسلیمی منطبق خواهد بود. لذا با توجه به شمول این اصول به قراردادهای لیسانس، اگر انتقال‌دهنده چنین تسلیمی کرده باشد، تسلیم او منطبق ارزیابی خواهد شد.

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی سندی دیگری است که مانند اصول قراردادهای اروپایی برای انواع مختلف قراردادهای تجاری بین‌المللی از جمله لیسانس بین‌المللی می‌تواند کاربرد داشته باشد. در این سند نیز همانند سند قبل مقرراتی در خصوص تسلیم بیان شده است. ماده ۶/۱/۵ آن بیان می‌دارد که اگر کیفیت اجرا در قرارداد نه معین و نه محدود شده باشد، طرف قرارداد موظف به تسلیم و اجرای قرارداد در کیفیتی متعارف

است؛ با این شرط که اجرا از کیفیت متوسط در آن شرایط و اوضاع و احوال پایین تر نباشد. اوضاع و احوال نیز باید طبق عرف تجاری در زمان اجرا لحاظ شود (UNIDROIT, 2016, p. 160). همچنین ماده ۵/۱/۴ چنین مقرر می‌دارد که اگر تعهدات یکی از طرفین مستلزم آن باشد که به نتیجه مشخصی بینجامد، باید نتیجه مورد نظر محقق شود و اگر تعهد یک طرف مستلزم حداکثر کوشش برای اجرا باشد، آن طرف باید تمام تلاش خود را مانند شخصی متعارف در همان اوضاع و احوال به کار بندد. ماده ۵/۱/۳ نیز طرفین را مکلف به همکاری می‌کند؛ در صورتی که چنین همکاری‌ای به طور معقول و متعارف مورد انتظار باشد. در مجموع ملاحظه می‌شود اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقررهای مشابه با اصول قراردادهای اروپایی دارد و اگر قرارداد لیسانس در قالب این اصول نیز تدوین شده باشد و کیفیت تسلیم منطبق در قرارداد تصریح نشده باشد، تسلیم باید با کیفیتی متعارف باشد که کمتر از کیفیت متعارف در شرایط و اوضاع و احوال قرارداد و عرف تجاری در زمان اجرا نباشد و اگر نتیجه خاصی از قرارداد مدنظر باشد، تسلیم زمانی منطبق خواهد بود که به نتیجه مدنظر واصل شود و به همین منظور انتقال‌دهنده ملزم به همکاری برای تحقق اهداف صریح و ضمنی قرارداد خواهد بود.

اما این دو سند عام بین‌المللی نمی‌تواند خلأ اراده طرفین قرارداد لیسانس را در تسلیم منطبق پر کند و این مقدار برای ارزیابی تسلیمی منطبق کفایت نمی‌کند؛ لذا نیاز به مقرره‌ای خاص در اسناد بین‌المللی هست.

۱/۱/۲/۲. قوانین و مقرره‌های خاص برای تسلیم منطبق در قراردادهای لیسانس
 با وجود اینکه در ابعاد تجاری بین‌المللی مقرره خاصی برای قراردادهای مالکیت فکری محور و مشخصاً لیسانس طراحی نشده است، اما برای درک تسلیم منطبق می‌توان دو مقرره و قانون را در این خصوص مدنظر قرار داد: یکی پیش‌نویسی برای قانون نمونه قراردادهای مالکیت فکری محور که در آنسیترال طرح شده است و دیگری قانون مدنی ازبکستان که در ماده ۸۶۶ خود مشخصاً به تکلیف انتقال‌دهنده لیسانس پرداخته است. در طرح مشترک مرجع نیز مقرراتی به این موضوع اختصاص داده شده است (DCFR, 2009, p. 238).

ماده ۲۰ طرح قانون نمونه قراردادهای مالکیت فکری محور به تعهدات طرفین پرداخته است که تسلیم منطق به عنوان تعهد اصلی انتقال دهنده نیز مشمول آن خواهد بود. طبق بند (الف) این ماده، طرفین متعهد به اجرای قرارداد منطبق بر شروط مقرر در آن شده اند. پیش از این نیز اشاره شد که اولین نقطه در تمیز منطق بودن تسلیم، تطابق آن با شروط قراردادی است که در قوانین ملی و اسناد بین المللی نیز به آن تأکید شده است. اما در بند (ب) ماده، مشخصاً به تعهد هریک از طرفین اشاره شده و در خصوص تعهدات انتقال دهنده چنین آمده است: در یک قرارداد مالکیت فکری محور که اعم از قرارداد لیسانس است، اجرای قرارداد توسط انتقال دهنده شامل توانمندسازی انتقال گیرنده برای به کارگیری حق فکری انتقال یافته در راستای هدف از انتقال چنین حقی خواهد بود. این مقرر که به منطبق بودن تسلیمی تصریح کرده که هم راستا با هدف خاص انعقاد قرارداد است، به مقرراتی شباهت دارد که کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجاری بین المللی به آن پرداخته بودند و از لحاظ تطابق تسلیم موضوع قرارداد با هدف خاصی که هنگام انعقاد قرارداد صریحاً یا ضمناً به اطلاع متعهد علیه رسیده باشد، تفاوتی بین مقررات این طرح و اسناد بین المللی یاد شده نیست. با این تفاوت که در اسناد بین المللی اشاره شده، مانند کنوانسیون بیع بین المللی کالا، با وضوح بیشتری به آن پرداخته شده بود. گفتنی است که این نقص در ماده ۲۱ جبران شده و به تشریح نحوه امکان بهره برداری پرداخته شده است. بند (الف) ماده ۲۱ بیان می دارد: انتقال دهنده با انتقالی که برای اعطای بهره برداری مکفی باشد، به انتقال گیرنده این توانایی را خواهد داد که از حق فکری انتقال یافته طبق هدف خاص قرارداد استفاده کند. همچنین این توانمندسازی در بهره برداری باید همراه با اعمال لازم طبق قرارداد برای در دسترس بودن حق فکری برای انتقال گیرنده باشد. بند (ب) ماده ۲۱ در ادامه تأکید می کند که اگر برای امکان بهره برداری به صورت متعارف نیاز به تأمین اجزای فیزیکی باشد، انتقال گیرنده باید تلاش معقول و به موقعی برای تأمین آن به کار بندد. علاوه بر آن، طبق بند (ج) این ماده، اگر امکان بهره برداری نیازمند دسترسی به سیستم های اطلاعاتی خودکار باشد، انتقال دهنده متعهد شده است که انتقال گیرنده را با تدارک اطلاعات متعارف مورد نیاز برای

انتفاع و پشتیبانی تأمین کند که مطابق قرارداد و استفاده متعارف این سیستم‌ها لازم است. همچنین در صورت نیاز، انتقال‌دهنده به امضا و تسلیم اسنادی مکلف شده است که طبق مقررات حاکمیتی برای امکان بهره‌برداری لازم خواهد بود و در این مورد انتقال‌دهنده در صورت مطالبه باید تلاش مؤثر خود را در زمانی معقول به کار گیرد.

با انجام دادن تکلیف ماده ۲۱ و پذیرش انتقال‌گیرنده که در ماده ۲۲ این طرح مقرراتی برای آن منظور شده است، تسلیم منطبق محقق خواهد شد. طبق بند (الف) ماده ۲۲، اجرای انتقال‌دهنده زمانی تأیید و پذیرفته محسوب خواهد شد که با قرارداد مالکیت فکری بوده یا با عدم رد اجرای انتقال‌دهنده در یک فرصت متعارف یا استفاده از حق فکری بدون بازرسی یا تحقیق از اجرای انتقال‌دهنده منطبق باشد. اگر پذیرش اجرا توسط انتقال‌گیرنده مستلزم بازرسی تناسب اجزای فیزیکی تسلیم‌شده باشد، طبق بند (ب) این ماده، انتقال‌گیرنده باید آن را به نحو مؤثر در مدت زمانی معقول به کار بندد. همچنین طبق بند (ج) این ماده، تا قبل از پذیرش تسلیم توسط انتقال‌گیرنده، حق فکری موضوع انتقال نباید جز با هدف بازرسی مورد استفاده قرار گیرد که در غیر این صورت طبیعتاً حق عدم پذیرش انتقال‌گیرنده ساقط خواهد شد و اجرا پذیرفته‌شده محسوب می‌شود. طبق بند (د) این ماده، روش بازرسی مقرر در قرارداد مالکیت فکری می‌تواند منحصر به فرد باشد.

از جمله قوانینی که برای درک معیار تسلیم منطبق در قراردادهای لیسانس می‌توان به آن پرداخت، قانون مدنی کشور ازبکستان است که در فصل پنجاه خود با عنوان «لیسانس‌های مختلط کارآفرینی یا فرانسیز»، دست به قانون‌گذاری زده است. ماده ۸۶۶ این قانون به وظایف لیسانس‌دهنده پرداخته و مقرر می‌دارد: «انتقال‌دهنده مکلف است تکنولوژی و اسناد تجاری را به انتقال‌گیرنده منتقل نماید و مساعدت‌های لازم را در خصوص دیگر اطلاعات موردنیاز برای نیل به حق مؤثر انتقال‌گیرنده به کار بندد. همچنین انتقال‌گیرنده و کارمندان وی را آموزش دهد که موضوع لیسانس را طبق قرارداد تحویل دهند و تکنولوژی مقرر و کمک‌های مشاوره‌ای را که شامل کمک‌های آموزشی و ارتقای کارمندان است، به انتقال‌گیرنده ارائه کنند». در این ماده دیگر تعهدات انتقال‌دهنده به قرارداد واگذار شده است. هرچند این ماده فراگیری لازم را برای انواع لیسانس ندارد، مشخص است که

قانون گذار از بکستان به دنبال این مهم بوده که در نهایت تعهد انتقال دهنده به گونه‌ای باشد که هدف از انعقاد قرارداد و مؤثر واقع شدن انتقال را تأمین کند و چنین انتقالی که این هدف را برآورده کند، منطبق محسوب خواهد شد.

۱/۲. الزامات تسلیم منطبق طبق ماهیت لیسانس

شاید نتوان دقیقاً مشخص کرد که ماهیت قراردادهای لیسانس مستلزم چه تعهداتی برای تسلیم است؛ اما می‌توان تضمیناتی را در بطن قراردادهای لیسانس یافت که بدون وجود چنین تضمیناتی نمی‌توان انتقال را تسلیمی منطبق دانست. ظاهراً برای آنکه تسلیم لیسانسی منطبق باشد، باید این انتقال کارا و دارای توجیه اقتصادی و بازدهی تجاری باشد و این به ماهیت لیسانس و هدف از انتقال بازمی‌گردد. گفته شده است که منطبقاً نمی‌توان توجیه اقتصادی و بازدهی تجاری فناوری تحت لیسانس را ضمانت کرد، اما می‌توان وجود استاندارد حداقلی برای لیسانس ارائه شده را از نظر کارایی، مفید بودن و مطلوبیت تضمین کرد. اگرچه این تضمین صریحاً در قرارداد ذکر نشود، می‌توان استنباط کرد که لیسانس دهنده با توجه به هدف و موضوع قرارداد به طور ضمنی تأیید و تضمین کرده است که لیسانس مزبور برای برآوردن خواسته‌ها و نیازهای لیسانس‌گیرنده از قابلیت لازم برخوردار است (ماندگار، ۱۳۹۶: ۴۰۶). یعنی اگر این قابلیت وجود نداشته باشد، تسلیم منطبق نیست. باید توجه داشته باشیم از حیث تحلیل اقتصادی نیز تعهد به تسلیم منطبق سبب کارایی می‌شود. یکی از اصول اقتصادی تخصیص بهینه ریسک است. ریسک باید به کسی منتقل شود که بتواند با کمترین هزینه آن را مدیریت کند ((Danielle, 2020, p. 21). به نظر می‌رسد در قراردادهای لیسانس نیز با توجه به تسلط لیسانس‌دهنده بر موضوع لیسانس، تخصیص بهینه ریسک ایجاب می‌کند ریسک عدم انطباق را به لیسانس‌دهنده تخصیص دهیم.

همچنین اجرای قراردادهای لیسانس مانند هر قراردادی متناسب با ماهیت آن، خطرهای خاصی را در پی دارد و برای پوشش این خطرها که با اجرای صحیح قرارداد و سرنوشت هدف قرارداد گره خورده است، از مفهوم وارانته استفاده می‌شود. وارانته تعهدی بر عهده انتقال‌دهنده لیسانس است و در قراردادهای مالکیت فکری محور به اظهاراتی قراردادی

اطلاق می‌شود که موجودیت بعضی چیزها را در حال حاضر، در به وجود آمدن برخی در آینده و تداوم داشتن موجودیت بعضی دیگر را برای پس از اجرا تضمین می‌کند. درحقیقت انتقال‌دهنده اظهار و تضمین می‌کند که مالک موضوع قرارداد است و این لیسانس متعلق حق غیر واقع نشده و دارای اعتبار قانونی و برای بهره‌برداری تمام‌عیار و کامل مهیا است و متناسب با اهداف قرارداد محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شده است، با این تعبیر در حقوق ایران می‌توان وارنتی را مانند شرط صفت تحلیل کرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۶-۹۸). لازم به ذکر است که با پذیرش انطباق شرط صفت بر وارانتی، ضمانت اجرای تخطی از آن نه الزام، بلکه فسخ است و از این لحاظ بهتر است آن را شرط فعل بدانیم تا اینکه مشمول عموماً مواد ۲۳۷ و تا ۲۳۹ قانون مدنی شود.

اما پرسش این است که آیا این تضمینات خودبه‌خود در دل قرارداد وجود دارد یا باید وجود داشته باشد، یا حداقل باید دامنه آن را شرط کرد؟ چنان‌که پیش‌تر تأکید شد و زیرشرط وارانتی تضمین می‌شود، در چنین قراردادهایی عرفاً فرض بر این است که انتقال‌دهنده درباره موضوع قرارداد، مفید و واجد ارزش تجاری بودن و تناسب با هدف انتقال‌گیرنده و اعتبار قانونی آن آگاهی دارد. اما دامنه شمول این تضمین را می‌توان با مقید کردن در قرارداد، گسترده یا محدود کرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۹). همچنین براساس رویکرد تحلیل اقتصادی، با توجه به اینکه شخص امتیازدهنده و امتیازگیرنده در موقعیت عدم تقارن اطلاعاتی قرار دارند، لیسانس‌دهنده که دارای امتیاز برتری اطلاعاتی است می‌تواند از موقعیت خود سوءاستفاده کند و باعث تضعیف لیسانس‌گیرنده شود. برای مثال، استفاده از موضوع لیسانس در شرایطی خاص مقدر نباشد یا خطرناک باشد و لیسانس‌دهنده این اطلاعات را در اختیار لیسانس‌گیرنده قرار ندهد. به همین دلیل باید قراردادی که در این خصوص منعقد می‌شود دارای اثر پیشینی باشد و اجازه فرصت‌طلبی ندهد یا آن را به حداقل برساند. همچنین باید دارای اثر پسینی باشد؛ به این معنا که سازوکارهای مناسب و کارآمدی برای مقابله با سوءاستفاده از تقارن اطلاعاتی طراحی کرده باشد. همچنین براساس اصل مقابله با خطر اخلاقی، یک نهاد حقوقی نباید چنان موقعیتی برای شخصی مهیا کند که باعث افزایش بی احتیاطی و بی‌مبالاتی و ورود زیان

گردد (صادقی، ۱۴۰۱: ۳۲). بر این اساس، لیسانس‌دهنده اصولاً در موقعیت برتر در خصوص اطلاعات مربوط به موضوع لیسانس قرار دارد و باید تمهیدات لازم برای کارایی در مقصد را فراهم کند؛ در غیر این صورت می‌توان گفت لیسانس‌دهنده با سوءنیت از افشای اطلاعاتی که مورد نیاز لیسانس‌گیرنده بوده است، خودداری می‌کند. در مجموع، رابطه وارانتهی در قراردادهای مالکیت فکری محور و تسلیم منطبق را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که اگر لیسانس انتقال‌یافته جدا از موارد مصرح در قرارداد، واجد استانداردهای حداقلی از اوصاف و ویژگی‌های یک لیسانس متداول و وارانته‌هایی باشد که در بطن هر قرارداد لیسانسی نهفته است یا از اوضاع و احوال معاملاتی و عرف حاکم بر قضیه استنباط می‌شود، چنین تسلیمی منطبق خواهد بود؛ اما اگر این تضمینات و بایسته‌ها موجود نباشد نمی‌توان تسلیم را تسلیمی منطبق دانست (علیجانی و صغیری، ۱۴۰۲: ۴۳۹).

۲. تسلیم منطبق در انواع قراردادهای لیسانس بر مبنای موضوع قرارداد

۲/۱. تسلیم منطبق در لیسانس اختراع

در تعریف لیسانس اختراع چنین گفته شده است: قراردادی که طی آن تمام یا بخشی از انتفاع از حق بهره‌برداری از اختراعی را در برابر پرداخت رویالتی به اشخاص ثالث واگذار کنند (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۲۹۱). اما به‌واقع ماهیت موضوع دقیق آن که بتوان بر مبنای آن، موضوع تسلیم را مشخص و منطبق بودن یا نبودن آن را احراز کرد، جای بحث و بررسی دارد.

در مورد لیسانس اختراع، حقوقدانان در خصوص تعهدات طرفین و متفرعات و ملزومات آن نظرهای متعددی بیان داشته‌اند. بورست^۱، از حقوقدانان فرانسوی، تعهد به تسلیم را در قراردادهای لیسانس مضمونی صرفاً سلبی می‌داند؛ با این توضیح که صاحب حق اختراع نباید مانع بهره‌مندی انتقال‌گیرنده از لیسانس شود. مرکادال^۲ نیز تعهد به تسلیم را چنین تشریح می‌کند که در غیاب شروط خاص قراردادی صاحب حق اختراع باید یک نسخه از

1. Burst

2. Mercadal

جواز اختراع را، شامل موضوع اختراع، نقشه‌ها، طرح‌ها و اطلاعاتی که برای تحقق تولید موضوع حق اختراع لازم است، تسلیم کند. آزما^۱ نیز تصریح می‌کند که واگذاری لیسانس مستلزم تعهد به انتقال گواهی اختراع است. پلایسانت^۲ چنین ادعا می‌کند که اگر لیسانس صرفاً شامل حق اختراع بدون عمل خاص دیگری توسط انتقال دهنده باشد، تعهد به تسلیم صرفاً در حد ارائه یک نسخه از جواز اختراع تنزل خواهد یافت (Vahrenwald, 1995, p. 135). در حقوق ایتالیا تسلیم علاوه بر اصل موضوع شامل متفرعات آن نیز خواهد بود، به همین دلیل گفته شده است تسلیم لیسانس اختراع نه فقط شامل موارد مصرح خواهد بود، بلکه متفرعاتی مانند اطلاعات اضافی را نیز دربر خواهد گرفت (Vahrenwald, 1995, p. 209).

در مجموع علاوه بر عموماتی که پیش از این بحث شد، ظاهراً در انتقال اختراع، تسلیم ورقه اختراع همراه با طی تشریفات قانونی و اسناد و مدارک و اطلاعات جانبی مورد نیاز باید جزو تعهدات انتقال دهنده باشد و آنچه بیش از این لازم است، باید در شروط قراردادی جست‌وجو کرد. این گونه به نظر می‌رسد که هرگونه تضمین، از جمله تضمین تسلیم، منطبق در حوزه مالکیت فکری، به خصوص اختراعات قابل مقایسه با این موضوع در حوزه تجارت کالا نیست (nimmer, 2000, p. 289) با این حال برخی نویسندگان در مقایسه قرارداد بیع کالا با لیسانس اختراع با این استدلال که لیسانس دهنده نیز نسبت به لیسانس گیرنده دارای اطلاعات بیشتری در مورد موضوع اختراع است، ریسک عدم تطابق را بر عهده لیسانس دهنده قرار داده‌اند (ساعتچی، ۱۳۹۹: ۳۵). از تفاوت‌های بارز قراردادهای کالا محور و اطلاعات محور این است که در کالاها امکان ارزیابی کیفیت قبل از انعقاد قرارداد وجود دارد، ولی در اطلاعات این گونه نیست (جعفرزاده و ساعتچی، ۱۳۹۹: ۱۷۴). بنابراین تشخیص انتظار شخصی انتقال گیرنده (به عنوان معیاری برای منطبق بودن) در اطلاعات ناممکن است؛ مگر اینکه طرفین تصریح کرده باشند (جعفرزاده و ساعتچی، ۱۳۹۹: ۱۷۵). منتها در خصوص انتظار خاص منتقل الیه در لیسانس حق اختراع، گواهی اختراع می‌تواند پایگاه مادی قابل اتکایی باشد (جعفرزاده و ساعتچی، ۱۳۹۹: ۱۷۶). البته

1. Azéma

2. Plaisant

برخی دکتربین مطرح در حوزه مالکیت فکری بر این عقیده اند که هرگونه تضمین در تمامی قراردادهای لیسانس ناممکن است (جعفرزاده، ۱۳۹۹: ۱۷۶). در این رویکرد قرارداد لیسانس به دو گونه تعبیر می‌شود: یکی اعطای حقوق و دیگری اجازه بهره‌برداری؛ صورت اول می‌تواند انتظار تجاری ایجاد کند، ولی اجازه بهره‌برداری چنین خصلتی ندارد (جعفرزاده، ۱۳۹۹: ۱۷۷). باید در نظر داشت سه شرط ماهوی لازم برای اختراع تلقی شدن متفاوت از برآورده کردن انتظارات منتقل‌الیه (تسلیم منطق) است (جعفرزاده، ۱۳۹۹: ۱۷۸). نظر دیگر این است که آنچه در اظهارنامه ثبت اختراع به صورت مشخص (نه کلی) آمده نیز می‌تواند انتظار تجاری ایجاد کند (جعفرزاده و ساعتچی، ۱۳۹۹: ۱۸۰).

یکی از دلایل عدم امکان حمل حکم کالا بر اطلاعات این است که اطلاعات، اعم از اطلاعات انتقال داده‌شده در اختراع یا در دانش فنی، برگشت‌ناپذیرند و به عنوان مثل نمی‌توان آنها را تحت عنوان حق فسخ مسترد داشت (جعفرزاده و عباس تبار فیروزجاه: ۲۶۴: ۲۰۱۵). با وجود اینکه در دادگاه‌های برخی کشورها عیوب موضوع اختراع با کالا قیاس شده است و برخی با این موضوع مخالف‌اند (ساعتچی و محمدی نیا، ۱۴۰۰: ۷۵)، از نظر تحلیل اقتصادی نیز فقدان قوانین ثابت باعث افزایش هزینه معاملات می‌گردد؛ چراکه در صورت وجود قانون، طرفین الزامی به پیش‌بینی تمامی فرض‌های احتمالی ندارند و قرارداد خود را به قوانین موجود متکی می‌کنند و همین منطق استفاده از قوانین موجود در زمینه کالاها را توجیه می‌کند (ساعتچی و محمدی نیا، ۱۴۰۰: ۷۱).

در راستای کنکاش برای احراز، تحلیل و نقد رویه قضایی در این زمینه، پس از مراجعه به تنها شعبه مربوط به دعاوی حوزه مالکیت صنعتی و فکری، یعنی شعبه ۳ مجتمع شهید بهشتی تهران به تصدی جناب قاضی دکتر همتی، مشخص شد که تاکنون دعوایی مشابه موضوع مقاله در محاکم ایران مطرح و رسیدگی نشده است. البته این امر قابل پیش‌بینی بود؛ چراکه معمولاً در قراردادهای لیسانس بین‌المللی دو شرط داوری و محرمانگی قید می‌شود که یکی مانع طرح موضوع نزد محاکم و دیگری مانع افشای محتوای قرارداد و رأی داوری می‌گردد. البته از حیث سابقه داوری، دستیابی به یک رأی قابل نقد (که پس از این تحت عنوان رأی سیمان از آن یاد می‌شود) و منطبق با موضوع مقاله به‌دشواری میسر شد.

در نهایت قرارداد انتقال و پیاده‌سازی تکنولوژی شامل تولید کلینگر (متضمن کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی سوخت و افزایش ۱۰ درصدی بهره‌وری و افزودنی‌های کلینگر متضمن افزایش ۲۵ تا ۷۰ درصد محصول یعنی سیمان) بوده است. تعهد مذکور تعهد به نتیجه و مبرهن است و چنانچه نتیجه به‌طور کامل حاصل نشود، حتی اگر درصد عمده آن تأمین شود، به منزله عدم انجام تعهد است و متعهدله می‌تواند براساس مواد ۲۳۷_ ۲۳۹ قانون مدنی، الزام و در صورت عدم امکان الزام یا طبق توافق قرارداد را فسخ کند. داوران پرونده با اذعان به اینکه متعهد فقط بخشی از تعهدات قرارداد خود را مبنی بر انتقال تکنولوژی انجام داده و انتقال ناقص است و طرفین در خصوص کیفیت آن اختلاف نظر دارند، به تنصیف مبلغ کل قرارداد رأی داده است؛ به عبارت دیگر، متعهد را در خصوص نصف ارزش انتقال تکنولوژی ذی‌حق دانسته است؛ در حالی که از لحاظ اصول حقوقی با توجه به عدم اجرای تعهد و منطبق نبودن تسلیم باید متعهد محکوم به بی‌حقی می‌شد و چنانچه متعهدله بهره‌ای از فرمول ناقص برده بود، در دعوی جداگانه از باب استیفا به پرداخت مابه‌ازا الزام می‌شد. در هر صورت، گویا بعد از رأی داورى مجدداً داورى انجام شده و از باب تبعض صفحه به متعهدله حق فسخ داده شده که این وجه نیز با ایراد مواجه است؛ چراکه جایگاه این خیار جایی است که امکان تبعیض در مورد معامله باشد؛ حال آنکه انتقال تکنولوژی قابلیت تبعیض ندارد (مرکز داورى اتاق بازرگانی ایران، پرونده کلاسه ۴۹/۹۳/۵/۳۶ و تقابل ۴۷/۹۴/۵/۳۶ شماره رأی ۴۰۴/۴۹/۹۳/۵/۳۶ تاریخ صدور: ۱۳۹۵/۶/۲۳).

۲/۲. تسلیم منطبق در لیسانس دانش فنی (نوهاو)

در تعریف دانش فنی گفته شده است: مجموعه‌ای از اطلاعات کاربردی حاصل از تجربه و آزمایش است که برای آن پروانه اختراع تحصیل نشده، دارای ویژگی محرمانه است، عموم از آن آگاهی ندارند و دسترسی به آن ممکن نیست. همچنین برای تولید محصول، موضوع قرارداد مهم و مفید است و به عبارتی دارای وصف اساسی است و به میزان کافی و به نحو جامعی توصیف شده است که می‌توان در خصوص محرمانه بودن و اساسی بودن آن تصمیم‌گیری کرد (صابر، ۱۳۹۳: ۱۳۵). برخی از دانش فنی به‌عنوان اسرار تجاری نیز یاد کرده‌اند و گفته شده است این نوع از لیسانس برخلاف حق اختراع و علامت تجاری است

که بدون مقید بودن به مدتی محدود اعتبار دائمی دارد و تا زمانی که شرایط مقرر برای آنها وجود دارد ارزشمند و قابل واگذاری در قالب لیسانس است (صابر، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

برای تصمیم در خصوص منطبق بودن تسلیم در لیسانس دانش فنی، نحوه انتقال آن باید مورد توجه واقع گردد. دانش فنی ممکن است به شیوه ملموس در قالب نقشه‌ها، مشخصات فنی، طراحی‌ها، دستورات عمل‌ها، اسناد، فیلم و نرم‌افزار صورت گیرد؛ به نحوی که نسخه‌ای از دانش فنی در دست واگذارکننده، تسلیم انتقال‌گیرنده شود و او نیز بدین طریق از کم و کیف و ابعاد دانش فنی آگاهی یابد. همچنین ممکن است دانش فنی به شیوه غیرملموسی انتقال یابد؛ مانند اینکه مهندسان انتقال‌دهنده در مقرر انتقال‌گیرنده حاضر شوند و در قالب خدمات فنی کارکنان انتقال‌گیرنده را مدیریت کنند یا فرایند تولید را آموزش دهند یا اینکه کارکنان انتقال‌گیرنده به محل فعالیت انتقال‌دهنده فرستاده شوند تا در قالب همکاری فنی آموزش‌های لازم را دریافت کنند (همان: ۱۳۷).

اما برای اینکه محقق شود آیا تسلیم منطبق صورت گرفته است، ابتدا باید به هدف این قرارداد توجه شود که آیا محقق شده است یا نه. هدف قرارداد ممکن است در مقدمه قرارداد آمده و صریحاً قید شده باشد که این قرارداد به منظور توانمندسازی یا تحقق تولید با ظرفیتی خاص با به‌کارگیری این دانش فنی توسط انتقال‌گیرنده است. در این حالت باید توجه گردد که اراده طرفین از انعقاد چنین قراردادی به‌واقع رسیدن به هدف مقرر بوده و به عبارتی نتیجه تضمین شده و با توجه به شخصیت انتقال‌گیرنده، طرف دیگر اقدام به انتقال دانش فنی کرده است یا اینکه چنین تضمینی وجود نداشته و نوعاً چنین انتقالی با دانش فنی مقرر در قرارداد هر واحد تولیدی با تجربه مکفی را قادر به استفاده و نیل به اهداف قرارداد می‌کرد. به عبارتی در این معیار نوعی، اگر عدم موفقیت به واسطه عدم مهارت و تجربه لیسانس‌گیرنده باشد نه عدم کفایت دانش فنی، باید گفت که تسلیم منطبق محقق شده است (صابر، ۱۳۹۳: ۱۳۸). اما اگر معیار شخصی مدنظر باشد، فرض بر این است که لیسانس‌دهنده از توانایی انتقال‌گیرنده آگاه بوده و به‌نوعی نتیجه حاصل از لیسانس را تضمین کرده است که بدون تحقق این نتیجه تسلیم منطبق صورت نگرفته است.

۲/۳. تسلیم منطبق در فرانسیز

به مجوز انحصاری استفاده از علامت تجاری به منظور توزیع کالا یا خدمت مرتبط با آن علامت فرانسیز می‌گویند (wild, 2006, p. 144). در واقع فرانسیز سازوکار یکپارچه شبکه‌ای برای بازاریابی، فروش یا تولید کالا یا خدمات با همکاری بین اعضایی است که از نظر مالی و حقوقی مستقل اند (شیروی و باباپور، ۱۳۹۰: ۲۱). براساس قرارداد فرانسیز، اعطاکننده به امتیازگیرنده اجازه می‌دهد تا در سازوکار تجاری خود از سیستم تجاری اعطاکننده استفاده کند که می‌تواند شامل مواردی از جمله علامت تجاری، اسرار تجاری، خدمات فنی و آموزشی باشد (شهبازی نیا و سجادی، ۱۳۹۰: ۱۸۵) و امتیازگیرنده نیز در قبال آن مابه‌ازا می‌پردازد. هدف از قرارداد فرانسیز این است که اعطاکننده ترتیبات و آموزش‌های لازم به منظور توانمندسازی گیرنده امتیاز را در اختیار گیرنده قرار دهد (همان: ۱۸۷). تعریفی مشابه این در ماده ۳۱۳ لایحه جدید قانون تجارت نیز آمده است. در لیسانس‌های با موضوع فرانسیز ممکن است انواع مختلفی از روابط حقوقی شکل گیرد. در فرانسیز محصول، انتقال دهنده حق فروش و بافروش محصولات خود را تحت علامت تجاری وی به انتقال‌گیرنده می‌دهد یا در فرانسیز در قالب بسته تجاری، گیرنده حق استفاده از سیستم تجاری در قالب یک مجموعه واحد برای ساخت، تولید و فروش را به دست می‌آورد که متضمن دستورالعمل‌های مربوط به شیوه تولید و تجارت است که از جانب انتقال دهنده تسلیم می‌شود (ماندگار، ۱۳۹۶: ۴۱۸). در این نوع لیسانس موضوع تسلیم همان واگذاری امتیاز است که عمده‌ترین تعهد انتقال دهنده محسوب می‌شود و برای تشخیص اینکه چه موضوعی مورد واگذاری قرار گرفته است، باید به نوع قرارداد، مفاد توافق طرفین و عرف حاکم بر فعالیت‌های تجاری تحت فرانسیز توجه کرد. غیر از واگذاری و اعطای امتیاز تولید و توزیع محصولات و خدمات، واگذارنده پاره‌ای تعهدات تبعی و تکمیلی دیگری نیز بر عهده دارد. مانند اینکه اطلاعات و دانش تجربی و فنی را به منظور تحقق مطلوب اهداف مورد توافق به انتقال‌گیرنده ارائه دهد؛ زیرا بدون وجود چنین تعهدی دایر بر انتقال دانش فنی و تجربی اجرای موضوع اصلی قرارداد غیرممکن خواهد بود و نمی‌توان گفت تسلیمی منطبق رخ داده است (همان: ۲۲۱-۲۲۲). همچنین ممکن است بهره‌مندی از امتیاز

واگذار شده در قالب فرانسیز مستلزم آموزش و ارائه خدمات مشاوره‌ای از جانب واگذارکننده به انتقال‌گیرنده باشد که واگذارنده را به آموزش نیروهای انتقال‌گیرنده قبل از شروع به کسب‌وکار یا در طول اجرای قرارداد مکلف کند و بدون آن اعطای امتیاز به‌تنهایی هدف از قرارداد را تأمین نکند (پیشین: ۲۲۲).

برای درک تسلیم منطق در این نوع خاص از لیسانس، ابتدا باید توجه کرد که موضوع قرارداد در واقع چه نوع اعطای امتیازی است و برای تحقق هدف از انتقال علاوه بر اعطای امتیاز چه چیزی باید به‌عنوان تعهد تبعی از جانب واگذارکننده به طرف دیگر انتقال یابد و تا چه میزان این انتقال مؤثر افتاده است و بعد از آن قضاوت کرد که آیا تسلیم منطق تحقق یافته است یا خیر. نکته دیگری که باید مد نظر داشت، بحران نمایندگی از مؤلفه‌های تحلیل اقتصادی است که می‌توان در این حوزه از آن بهره‌مند شد. گرچه معمولاً این تحلیل در حوزه مدیریت و اقتصاد مورد استفاد قرار می‌گیرد (Brahmadev, & Leepsa 2017, p. 74). براساس این مفهوم، هر شخصی که در رابطه قراردادی اطلاعات بیشتری از طرف مقابل داشته باشد، به نوعی نماینده او فرض می‌شود و نماینده باید مصلحت منوب‌عنه را حفظ کند و از آن سوءاستفاده نکند (صادقی، ۱۴۰۱: ۲۹). در بحث فرانسیز نیز اعطاکننده امتیاز از لحاظ اشراف اطلاعاتی دارای موقعیت برتر نسبت به گیرنده امتیاز است (شهبازی‌نیا و سجادی، ۱۳۹۰: ۱۸۷) و در قبال اطلاعات ارائه‌شده و اینکه منطق با نیاز گیرنده است مسئولیت دارد. لذا فرانسیزدهنده ضمن توجه به اینکه ارائه درست اطلاعات ضروری از لوازم اصلی حسن‌نیت است (شیروی و باباپور ۱۳۹۰: ۲۲)، باید مواظب باشد استفاده از فرانسیز دقیقاً مطابق با قرارداد مورد استفاده قرار گیرد نه فراتر آن. به همین دلیل است که در اصول حقوق اروپایی مواد ۱:۲۰۱ و ۳:۱۰۲ به این موضوع پرداخته‌اند. براساس ماده ۱:۲۰۱، امتیازدهنده مکلف است ظرف مدت متعارفی قبل از انعقاد قرارداد اطلاعات لازم را در اختیار انتقال‌گیرنده قرار دهد و در ماده ۳:۱۰۲ اطلاعات موردنیاز فهرست و مقرر شده که اعطاکننده امتیاز ضامن پرداخت هرگونه خسارتی است. از لحاظ ضمانت اجرا نیز برخی از دادگاه‌های فرانسه ضمانت اجرای تخطی از اطلاعات مناسب را بی‌اعتباری و بطلان قرارداد می‌دانند که متعاقب آن طرفین باید عوضین را مسترد دارند.

اما با توجه به ماهیت مستمر بودن اجرای قرارداد، به نظر می‌رسد بار کردن اثر قهقرایی بر بطلان ممکن نیست و حکم به پرداخت خسارت مناسب‌تر است (شهبازی‌نیا و سجادی، ۱۳۹۰: ۱۹۴). به این دلیل است که در این موارد از بطلان نسبی در حقوق فرانسه استفاده می‌شود؛ بدین معنا که انتقال‌گیرنده می‌تواند ابطال قرارداد را درخواست کند، اما اصول حقوق اروپایی تعدیل را نیز در کنار بطلان و مطالبه خسارت ممکن می‌داند (پیشین: ۱۹۵). در حقوق ما نیز با توجه به اینکه یک عقد صحیح را نمی‌توان باطل کرد و آنچه در عقد به صورت صریح یا ضمنی شرط شده باید تابع قواعد عمومی شروط باشد، در ضمانت اجرای آن در درجه اول الزام، سپس انجام دادن تعهد به هزینه متعهد و در نهایت فسخ است (مواد ۲۳۷-۲۳۹ ق.م).

نتیجه‌گیری

با تدقیق صورت‌گرفته مشخص شد که مختصات تسلیم منطق با قراردادهای لیسانس در قوانین ملی روشن نیست و برای تعیین درجه انطباق باید ابتدا به اراده طرفین و شرایط قرارداد توجه شود و نحوه و میزان تسلیم را با اراده صریح یا ضمنی طرفین در قرارداد تطبیق داد و اگر لیسانس تسلیم‌شده با قرارداد همخوانی نداشته باشد، نمی‌توان چنین تسلیمی را منطق دانست.

هرگاه طرفین در خصوص تعهدات انتقال‌دهنده و جزئیات آن در تسلیم تصمیم‌گیری نکرده باشند، باید به عادت تجاری طرفین و عرف معاملات حاکم بر قراردادهای لیسانس و قوانین تکمیلی روی آورد. در قوانین و مقرراتی که برای قراردادهای کالامحور مانند بیع و اجاره تدوین شده‌اند، نمی‌توان مشخصه دقیقی برای تسلیم منطق لیسانس یافت؛ هرچند می‌توان از ملاک‌های آن، مانند منطق بودن با هدف از انعقاد قرارداد بهره‌مند شد. اما در اسناد بین‌المللی عام مانند اصول قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی که برای انواع مختلف قراردادها اعم از اینکه قرارداد کالامحور باشد یا ملکیت فکری محور، می‌توان قواعد کارآمدی در این حوزه یافت. چنانچه قرارداد لیسانس در قالب این اصول نیز تدوین شده و کیفیت تسلیم منطق در قرارداد تصریح نشده باشد، تسلیم باید با کیفیتی متعارف صورت گیرد که کمتر از کیفیت متعارف در شرایط و اوضاع و احوال قرارداد و عرف تجاری در زمان اجرا نباشد و اگر نتیجه خاصی از قرارداد مدنظر باشد، تسلیم زمانی منطق خواهد بود که به نتیجه مدنظر واصل شود و به همین منظور انتقال‌دهنده ملزم به همکاری برای تحقق اهداف صریح و ضمنی قرارداد خواهد بود.

در اسناد بین‌المللی قواعد خاصی برای قراردادهای مالکیت فکری محور تنظیم نشده است؛ اما طبق طرحی که به‌عنوان قانون نمونه برای قراردادهای مالکیت فکری محور مطرح است، شرایطی برای تعهدات انتقال‌دهنده پیش‌بینی شده است که بخشی از آن مانند منطق بودن با هدف همانند مقررات اسناد بین‌المللی عام است. براساس آن قواعد، انتقال‌دهنده با انتقالی که برای اعطای بهره‌برداری مکفی باشد، انتقال‌گیرنده را برای استفاده از حق فکری انتقال‌یافته طبق هدف خاص قرارداد قادر خواهد کرد و این

توانمندسازی در بهره‌برداری باید همراه با اعمال لازم طبق قرارداد برای در دسترس بودن حق فکری برای انتقال‌گیرنده باشد. اگر برای امکان بهره‌برداری به صورت متعارف نیاز به تأمین اجزایی فیزیکی باشد، انتقال‌گیرنده باید تلاش معقول و به‌موقعی برای تأمین آن به کار بندد. چنانچه امکان بهره‌برداری نیازمند دسترسی به سیستم‌های اطلاعاتی خودکار باشد، باید انتقال‌گیرنده را با تدارک اطلاعات متعارف موردنیاز برای انتفاع و پشتیبانی، که مطابق قرارداد و استفاده متعارف این سیستم‌ها لازم است، تأمین کند و در صورت نیاز انتقال‌دهنده مکلف به امضا و تسلیم اسنادی می‌شود که طبق مقررات حاکمیتی برای امکان بهره‌برداری لازم خواهد بود و در این مورد انتقال‌دهنده در صورت مطالبه باید تلاش مؤثر خود را در زمانی معقول به کار گیرد. برای تعریف تسلیم منطبق باید به وراثتی‌هایی توجه کرد که در بطن قرارداد وجود دارد و جزو قرارداد محسوب می‌شود. اگر لیسانس انتقال‌یافته جدا از موارد مصرّح در قرارداد، واجد استانداردهای حداقلی از اوصاف یک لیسانس متداول و وراثتی‌هایی باشد که در بطن هر قرارداد لیسانسی نهفته یا از عرف معاملات استنباط می‌شود، چنین تسلیمی منطبق خواهد بود؛ اما اگر این تضمینات موجود نباشد نمی‌توان تسلیم را منطبق دانست. البته برای ارزیابی تسلیم منطبق باید به نوع لیسانس توجه کرد و با توجه به ماهیتی که لیسانس به دنبال آن است، هدف قرارداد و تعهدات انتقال‌دهنده را مشخص و بر همین مبنا در خصوص منطبق بودن تسلیم اظهار نظر کرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. جعفرزاده، میرقاسم و ساعتچی علی (۱۳۹۹). تحلیل حقوق قراردادی انتظارات تجاری در قرارداد لیسانس. فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۶۹-۱۸۴.
<http://jlvviews2.ujsas.ac.ir/article-1-1388-fa.html>
۲. ساعتچی، علی؛ محمدی نیا، امید (۱۴۰۰). تحلیل حقوقی اقتصادی قواعد حاکم بر قراردادهای لیسانس. مطالعه رویکرد نظام حقوقی آمریکا و رهنمودهایی برای نظام حقوقی ایران. فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ۱۹: ۶۳-۸۷.
<https://doi.org/10.22067/lowecon.2022.41770>
۳. ساعتچی، علی، (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی تضمین اعتبار اختراع در قرارداد لیسانس. فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ۱۷: ۲۵-۴۴.
<https://doi.org/10.22067/le.v27i16.80053>
۴. شهبازی نیا، مرتضی و سجادی سید کمال (۱۳۹۰). تعهد به افشای اطلاعات اساسی در قرارداد فرانسیز. فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ص ۱۸۵-۲۰۳.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350794.1390.15.59.8.4>
۵. شیروی، عبدالحسین و باباپور، محمد، (۱۳۹۰). حسن نیت در توافقات عمودی. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۵)، ۹-۳۶.
<https://doi.org/10.22106/jlj.2011.11075>
۶. صابر، روح اله، (۱۳۹۳). قراردادهای لیسانس، تهران: شهر دانش.
۷. صادقی، محمود؛ احسنی فروز، محمد؛ تفرشی، محمد عیسی و جعفرزاده، میرقاسم (۱۳۹۰). تعهدات و الزامات طرفین در قرارداد انتقال فناوری و تطبیق آن با حقوق ایران، کامن لا و برخی نظام‌های حقوقی دیگر. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۵(۳)، ۹۳-۱۱۲.
https://clr.modares.ac.ir/article_13765.html
۸. صفایی، سید حسین؛ محمود کاظمی، مرتضی عادل و اکبر میرزا نژاد، (۱۳۹۰). «حقوق بیع بین‌المللی، بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا»، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۹۵)، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. ماندگار، مصطفی (۱۳۹۶)، قراردادهای تجاری بین‌المللی انتقال فناوری، تهران: شهر دانش.
۱۱. مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران، پرونده کلاسه ۳۶/د/۴۹/۹۳ و تقابل ۴۷/۹۴/۵/۳۶ شماره رای ۲۳/۶/۹۵ (۴۰۴/۴۹/۹۳/۵/۳۶ تاریخ صدور: ۲۳/۶/۹۵)

۱۲. میرحسینی، سیدحسن، (۱۳۸۷) حقوق اختراعات، تهران: نشر میزان
۱۳. میکالا میزلز، (۱۴۰۲)، راهنمای حقوقی ادینبورگ در تنظیم قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه و تحقیق علیجانی، محسن و صغیری، بهراد، تهران: انتشارات مجد.

ب) منابع انگلیسی

1. Bortolotti, F. (2008). *Drafting and negotiating international commercial contracts*. Wolters Kluwer Law & Business.
2. Brahmadev Panda, N., & Leepsa, N. M. (2017). Agency theory: Review of theory and evidence on problems and perspectives. *Indian Journal of Corporate Governance*.
3. Nel, D. (2020). Allocation of risk in public-private partnership in information and communications technology. *International Journal of Business and Government Studies*.
4. de Luca, V. (2015). The conformity of the goods to the contract in international sales. *Pace International Law Review*, 27.
5. Honnold, J. (1999). *Uniform law for international sales under the 1980 United Nations Convention* (3rd ed.). Kluwer Law International.
6. Huber, P., & Mullis, A. (2007). *The CISG: A new textbook for students and practitioners*. European Law Publishers.

References

1. Jafarzadeh, M., & Saatchi, A. (2023). Analysis of contract law of commercial expectations in patent license. *The Quarterly Journal of Judicial Law Views*, 25(90), 169-184. <http://jlvviews2.ujsas.ac.ir/article-1-1388-fa.html> (in Persian)
2. Katouzian, N. (2016). *Specific contracts: Transactional contracts*. Volume 1. Tehran: Sahami Enteshar. (in Persian)
3. Lando, O. (1992). Principles of European contract law : An alternative to or a precursor of European legislation? *The American Journal of Comparative Law*, 40(3).
4. Mandegar, M. (2018). *International commercial agreements: Technology transfer* (2nd ed.). S.D.I.L., Tehran. (in Persian)
5. Meiselles, M. (2013). *International commercial agreements: An Edinburgh law guide*. Edinburgh University Press.
6. Meiselles, M. (2024). *International commercial agreements: An Edinburgh law guide* (M. Alijani & B. Saghiri, Trans.). Majd Publication.
7. Mirhosseini, S. H. (2008). *Law of patents*. Mizan Legal Foundation. (in Persian)
8. Nimmer, R. T. (2000). Through the looking glass : What courts and UCITA say about the scope of contract law in the information age. *Duquesne Law Review*, 38, 255-318.
9. Saatchi, A., & Mohammadinia, O. (2021). Legal and economic analysis of applicable legal rules on license contract : Examination of US legal system approach to present guidance for Iranian legal system. *Encyclopedia of Economic Law Journal*, 28(19), 64-87. <https://doi.org/10.22067/lowecon.2022.41770> (in Persian)
10. Saatchi, A. (2020). Analysis and assessment of warranty of validity in license contract. *Encyclopedia of Economic Law Journal*, 27(17), 25-44. <https://doi.org/10.22067/le.v27i16.80053> (in Persian)
11. Sadeghi, M., Ahsani-Forouz, M., Issaei Tafreshi, M., & Jafarzadeh, M. (2011). The obligations of the parties in the contract for transfer of technology. *Comparative Law Researches*, 15(3), 93-112. https://clr.modares.ac.ir/article_13765.html (in Persian)
12. Saeh, M. (2014). Obligations and rights of licensor and licensee in a patent licence. *ATINER s Conference Paper Series, Athens Institute for Education and Research*.

13. Safaei, H., Kazemi, M., & Mirzanejad, A. (2011). International law : A review of the Convention on the International Sale of Goods with a comparative study in the laws of Iran, France, England, and the United States of America. Tehran University Publication.
14. Shahbaziniya, M., & Sajadi, S. K. (2011). The obligation to disclose essential information in franchise agreement. *Iranian Journal of Trade Studies*, 15(59), 185-203. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350794.1390.15.59.8.4>
15. Shiravi, A., & Babapour, M. (2011). Goodwill in vertical agreements. *The Judiciary's Law Journal*, 75(75), 9-36. <https://doi.org/10.22106/jlj.2011.11075>
16. UNIDROIT. (2016). *International institute for the unification of private law*. Rome : UNIDROIT.
17. Vahrenwald, A. (1995). *Patent licence contracts in English, French and Italian law* (Doctoral dissertation, University of Saarbrücken).
18. Wild, E. (2006). *Webster's new world law dictionary*. Wiley Publishing.
19. Civil Code of the Republic of Uzbekistan.
20. Draft Common Frame of Reference (DCFR) Outline Edition. Sellier European Law Publishers.
21. Model intellectual property contract law. (UNCITRAL - Third International Colloquium on Secured Transactions Presentation by Lorin Brennan and Jeff Dodd).
22. Principles of European Contract Law (PECL).
23. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG).
24. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (UPICC)